

سخن سردبیر

آرمان آرین



ویسپوبیش، سال ۳، شماره ۱

«به نام یکتاخدایِ درخشنده‌ترین»

دوستان نازنینم:

همیشه از خود می‌پرسیدم و راستش می‌ترسیدم از اینکه آیا ایران، این بار هم از این مهلکه‌ی مرگبار، جان به در خواهد بُرد؟! از بزرگ‌ترین و مخوف‌ترین مهلکه‌ای که همانا اشغال از داخل، توسط بدترین حکومت دنیاست... ایرانی که هزاران هزار سال، از حملات و تجاوزات خِون‌ها، توران‌ها، هپتالی‌ها، یون‌ها، رومی‌ها، تازی‌ها، غُزها، مغول‌ها، افغان‌ها و تا پرتغالیان و روسیان و انگلیسی‌ها جان به در بُرده بود... آیا این بار هم ایران من، از این تهاجم و اشغال ۴۸ ساله‌ی ملّیان (بلکه ۱۸۰ ساله)، که ترکیبی دجّال‌گون از تمامی تهاجمات پیشین (با همدستی روس و انگلیس و چین) است، جان به سلامت، بیرون خواهد بُرد؟! امروز در این واپسین روزهای اسفند، با آنچه که از ما مردمان ایران برآمد، با آنچه در جهان طنین انداختیم، با ید قدرت غیبی ایزد مهربان و منتقم که دست نوازش بر سر داغداران کشید، با آشنایی که خشماگین به یاری مردم مظلوم و مستضعف ایران شتافت، با مُشت اقتداری که بر دهان مستکبران یاوه‌گوی جاعشی، یک به یک فرود آمد و می‌آید... امروز پاسخ آن پرسش را چنین دریافتم:

بله، ایران خواهد ماند! ایران – این گاهواره‌ی راستی و روشنایی در تاریخ

بشر - از آتشانِ افروخته‌ی این مهیب - گزند نیز زنده خواهد گذشت و... بلکه گذشته است. ایران ما، به آنچه شایستگی‌اش بود، خواهد رسید؛ به جاودانگی، به اعتدال و انصاف و نظم در شور و شعور توأمان، بسانِ جواهری در شجاعت و دانش و دادگری بر تارکِ تاجِ جهانیان.

حال بگذارید، گامی پیش‌تر نهیم و به آینده بنگریم، به خیلی دورِ دور... هزار یا شاید هم ده هزار سال پس از امروز، جایی در سیاره‌ای دوردست، وقتی نوادگان ما درس تاریخ کهکشان بخوانند و یادی از زمین کنند... آن روز یقین دارم، یکی از چند کشوری را که از این سیاره‌ی سبز به یاد خواهند آوردند، ایرانِ نازنین ما خواهد بود؛ ایرانی که همین امروز، ما شاهدانِ نوزایی سیمرغ‌وارش از میان هزار آتش و خون و دردییم.

۲۹ اسفند ۱۴۰۴ - آ.آ

نوروز ۱۴۰۵ / ۲۵۸۵ خجسته باد

ایران‌مان آزاد و آباد

یاد همه‌ی جاویدنامان تا ابد پاینده باد